

رساله به عبرانیان

معرفی رساله

عبرانیان، مردمان یهودی نژاد بودند که برای عبادتگاه بزرگ یهودیان در اورشلیم اهمیت زیاد قایل بودند. در این عبادتگاه هر روز قربانی‌های زیاد حیوانات صورت می‌گرفت و مراسم مذهبی با دقت انجام می‌پذیرفت. وقتی این عبرانیان به عیسی مسیح ایمان آورده و مسیحی شدند، در دو راهی قرار گرفتند. یک تعداد بر اجرای مراسم مذهبی مثل گذشته تأکید می‌کردند و بعضی آنرا کاملاً رد می‌کردند. گروهی که بر اجرای مراسم مذهبی تأکید می‌کردند، به مخالفت‌های روزافزونی روبرو شده و در خطر ترک ایمان مسیحی قرار داشتند. این نامه به این عبرانیان نوشته شده است.

نویسندهٔ عبرانیان به آنها تأکید می‌کند که عیسی مسیح مکاشفهٔ حقیقی و نهایی خداست. کسیکه عیسی مسیح را به حیث نجات‌دهندهٔ خود قبول می‌کند و به او ایمان می‌آورد، از قید مراسم خشک و ظاهری شریعت آزاد می‌گردد. زیرا این مراسم شریعت با آمدن عیسی مسیح باطل شده‌اند و هر شخص صرف با ایمان آوردن به عیسی مسیح از غلامی گناه آزاد می‌گردد. شریعت حقیقی خدا در دل او حکم می‌گردد و زندگی عملی او به آئینهٔ تمام‌نمای خواست خدا مبدل می‌گردد.

فهرست موضوعها:

مقدمه: فصل ۱: ۱ - ۳

برتری مسیح از فرشتگان: فصل ۱: ۴ - ۲: ۱۸

برتری مسیح از موسی و یوشع: فصل ۳: ۱ - ۴: ۱۳

برتری کهنات مسیح: فصل ۴: ۱۴ - ۷: ۲۸

برتری پیمان مسیح: فصل ۸ - ۹

برتری قربانی مسیح: فصل ۱۰

اهمیت ایمان: فصل ۱۱ - ۱۲

خشنود ساختن خدا: فصل ۱۳: ۱ - ۱۹

دعای خاتمه و سخنان پایانی: فصل ۱۳: ۲۰ - ۲۵

برتری مسیح بر انبیاء

۱ خدا در ایام قدیم، در اوقات بسیار و به راه‌های مختلف به وسیلهٔ انبیاء با پدران ما تکلم فرمود،^۲ ولی در این روزهای آخر به وسیلهٔ پسر خود با ما سخن گفته است. خدا این پسر را وارث کل کائنات گردانیده و به وسیلهٔ او همهٔ عالم هستی را آفریده است. آن پسر،^۳ فروغ جلال خدا و مظهر کامل وجود اوست و کائنات را با کلام پُر قدرت خود نگه می‌دارد و پس از آنکه آدمیان را از گناهان شان پاک گردانید، در عالم بالا در دست راست حضرت اعلیٰ نشست.

برتری مسیح بر فرشتگان

^۴ همان‌طور که مقام او از مقام فرشتگان بالاتر بود، نامی که به او داده شد از نام آن‌ها برتر می‌باشد،^۵ زیرا خدا هرگز به هیچ یک از فرشتگان نگفته است که:

«تو پسر من هستی، امروز پدر تو شده‌ام.»

و یا:

«من برای او پدر خواهم بود و او پسر من خواهد بود.»

^۶ و باز وقتی نخست‌زاده را به دنیا می‌فرستد می‌فرماید:

«همه فرشتگان خدا او را بپرستند.»

^۷ اما درباره فرشتگان می‌فرماید:

«خدا فرشتگانش را به صورت باد و خادمانش را مثل

شعله‌های آتش می‌گرداند.»

^۸ اما درباره پسر فرمود:

«ای خدا، تخت سلطنت تو ابدی است و با عدالت حکومت

می‌کنی. ^۹ تو راستی را دوست داشته و از ناراستی نفرت داری. از

این جهت خدا، یعنی خدای تو، تو را با روغن شادمانی بیشتر از

رفقاییت مسح کرده است.»

^{۱۰} و نیز:

«تو ای خداوند، در ابتدا زمین را آفریدی و آسمان‌ها کار

دست‌های توست. ^{۱۱} آن‌ها از میان خواهند رفت، اما تو باقی

خواهی ماند. همه آن‌ها مثل لباس کهنه خواهند شد. ^{۱۲} تو آن‌ها را

مانند ردای به هم خواهی پیچید. بلی، چون آن‌ها مثل هر لباسی

تغییر خواهند کرد. اما تو همان هستی و سال‌های تو پایانی

^{۱۳} خدا به کدام یک از فرشتگان خود هرگز گفته است:

«به دست راست من بنشین، تا دشمنانت را پای انداز تو گردانم؟»

^{۱۴} پس فرشتگان چه هستند؟ همه آن‌ها ارواحی هستند که خدا را خدمت می‌کنند و فرستاده می‌شوند تا وارثان نجات را یاری نمایند.

نجات بزرگ

^۲ به این سبب ما باید هرچه بیشتر به آنچه شنیده‌ایم توجه کنیم، مبدا گمراه شویم. ^۲ صحت کلامی که به وسیله فرشتگان بیان شد چنان به ثبوت رسید که هر خطا و نافرمانی نسبت به آن با مجازات لازم روبرو می‌شد. ^۳ پس اگر ما نجاتی به این بزرگی را نادیده بگیریم چگونه می‌توانیم از جزای آن بگریزیم؟ زیرا در ابتدا خود خداوند این نجات را اعلام نمود و آنانی که سخن او را شنیده بودند، حقیقتش را برای ما تصدیق و تأیید کردند. ^۴ در عین حال، خدا با آیات و عجایب و انواع معجزات و عطایای روح القدس مطابق اراده خود گواهی آنها را تصدیق فرمود.

پیشوای ایمان ما

^۵ خدا فرشتگان را فرمانروایان دنیای آینده - دنیایی که موضوع سخن ماست - قرار نداد، ^۶ بلکه در جایی گفته شده است:

«انسان چیست که او را به یاد آوری؟ یا بنی آدم که به او توجه نمائی؟»

^۷ اندک زمانی او را پائین تر از فرشتگان ساختی، و تاج جلال و افتخار را بر سر او گذاشتی،^۸ و همه چیز را تحت فرمان او درآوردی.»

پس اگر خدا همه چیز را تحت فرمان او درآورده، معلوم است که دیگر چیزی باقی نمانده که در اختیار او نباشد، اما در حال حاضر ما هنوز نمی بینیم که همه چیز در اختیار او باشد.^۹ اما عیسی را می بینیم که اندک زمانی پائین تر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و افتخار بر سر دارد، زیرا او متحمل مرگ شد تا به وسیله فیض خدا، به خاطر تمام آدمیان طعم مرگ را بچشد.

^{۱۰} شایسته بود که خدا - آفریدگار و نگهدار همه چیز - برای اینکه فرزندان بسیاری را به جلال برساند عیسی را نیز که پدید آورنده نجات آنها است از راه درد و رنج به کمال رساند.^{۱۱} آن کس که مردم را از گناهان شان پاک می گرداند و آنانی که پاک می شوند همگی یک پدر دارند و به این جهت عیسی عار ندارد که آدمیان را برادران خود بخواند،^{۱۲} چنانکه می فرماید:

«نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد، و در میان جماعت تو را حمد خواهم خواند.»

^{۱۳} و نیز گفته است: «به او توکل خواهم نمود.» باز هم می فرماید: «اینک من، و فرزندانی که خدا به من داده است.»

^{۱۴} بنابراین چون این فرزندان انسان هایی دارای جسم و خون

هستند، او نیز جسم و خون به خود گرفت و انسان گردید تا به وسیلهٔ مرگ خود شیطان را که بر مرگ قدرت دارد نابود سازد^{۱۵} و آن کسانی را که به سبب ترس از مرگ تمام عمر در بردگی به سر برده‌اند، آزاد سازد.^{۱۶} البته او برای یاری فرشتگان نیامد، بلکه به خاطر نسل ابراهیم آمده است.^{۱۷} پس کاملاً لازم بود که او از هر لحاظ مانند برادران خود بشود تا به عنوان کاهن اعظم آنها در امور خدا، رحیم و وفادار باشد تا گناهان مردم را کفاره نماید.^{۱۸} چون خود او وسوسه و رنج دیده است، قادر است آنانی را که با وسوسه‌ها روبرو هستند، یاری فرماید.

برتری عیسی بر موسی

۳ بنابراین ای برادران مقدس من که در دعوت آسمانی شریک هستید، به عیسی که رسول و کاهن اعظم ایمان ماست چشم بدوزید،^۲ تا بدانید چقدر به خدایی که او را برای انجام این کار برگزید وفادار بود، همانطور که موسی نیز در تمام خانهٔ خدا وفادار بود.^۳ کسی که خانه‌ای می‌سازد، بیش از خود خانه سزاوار احترام است، به همین طور عیسی نیز بیش از موسی شایسته احترام است.^۴ هر خانه به دست کسی ساخته می‌شود، اما خدا سازندهٔ همهٔ چیزهاست.^۵ موسی در تمام خانهٔ خدا مانند یک خادم باوفا خدمت می‌کرد تا دربارهٔ پیامی که بعدها می‌باید اعلام شود، شهادت دهد.^۶ اما مسیح به عنوان پسر و صاحب خانه‌ای وفادار است و ما آن خانه هستیم، به شرطی که آن اعتماد و اطمینانی را که امید به ما می‌بخشد، تا به آخر محکم نگاه داریم.

آرامی قوم خدا

^۷ زیرا چنانکه روح القدس می فرماید:

«امروز اگر صدای خدا را بشنوید،^۸ مانند ایامی که در بیابان سرکشی می کردند بغاوت نکنید. در آن زمان پدران شما در بیابان مرا آزمودند.

^۹ بلی، پدران شما با وجود آنکه آنچه در چهل سال کرده بودم دیدند، باز مرا امتحان کردند و آزمودند.

^{۱۰} به این سبب به آن قوم خشمگین شدم و گفتم: افکار آنها منحرف است و هرگز راه‌های مرا نیاموختند^{۱۱} و در خشم خود سوگند یاد کردم که آنها به آرامی من نخواهند رسید.»

^{۱۲} ای برادران من، متوجه باشید در میان شما کسی نباشد که قلبی آنقدر شیرین و بی‌ایمان داشته باشد که از خدای زنده روی گردان شود.^{۱۳} در عوض، برای آنکه هیچ یک از شما فریب گناه را نخورد و سرکش نشود همیشه، تا زمانی که کلمهٔ «امروز» را به کار می‌بریم، یکدیگر را تشویق نمائید.^{۱۴} زیرا اگر ما اعتماد اولیهٔ خود را تا به آخر نگاه داریم شریکان مسیح هستیم،

^{۱۵} یا چنانکه گفته می‌شود:

«امروز اگر صدای او را بشنوید، مانند ایامی که سرکشی کردند، بغاوت نکنید.»

^{۱۶} چه کسانی صدای خدا را شنیدند و سرکشی کردند؟ آیا همان

کسانی نبودند که با هدایت موسی از مصر بیرون آمدند؟^{۱۷} و خدا نسبت به چه کسانی مدت چهل سال خشمگین بود؟ آیا نسبت به همان کسانی نبود که گناه ورزیدند و در نتیجه اجسادشان در بیابانها افتاد؟^{۱۸} و خدا برای چه کسانی سوگند یاد کرد که به آرامی او نخواهند رسید؟ مگر برای کسانی نبود که به هیچ وجه حاضر نشدند به او توکل نمایند؟^{۱۹} پس می بینیم که بی ایمانی مانع رسیدن آنها به آرامی موعود شد.

۴ پس چون این وعده ورود به آرامی هنوز باقی است، ما باید بسیار متوجه باشیم مبادا کسی در میان شما پیدا شود که این فرصت را از دست داده باشد.^۲ زیرا در واقع ما نیز مثل آنها مژده را شنیده ایم، اما این پیام برای آنها فایده ای نداشت، زیرا وقتی آن را شنیدند با ایمان به آن گوش ندادند.^۳ ما چون ایمان داریم، به آرامی او دست می یابیم. گرچه کار خدا در موقع آفرینش دنیا پایان یافت، او فرموده است:

«در خشم خود سوگند یاد کردم که، آنها هرگز به آرامی من داخل نخواهند شد.»

^۴ زیرا در جایی در باره روز هفتم چنین نوشته شده است: «خدا در روز هفتم از کار خود آرامی گرفت.»^۵ با وجود این، خدا در آیه فوق می فرماید: هرگز به آرامی من نخواهند رسید.»^۶ پس چون هنوز عده ای فرصت دارند به آن داخل شوند و همچنین چون آنانی که اول بشارت را شنیدند از روی نافرمانی و بی ایمانی به آن داخل نشدند،^۷ خدا روز دیگری - یعنی «امروز» را تعیین می کند، زیرا پس از سالیان دراز به وسیله داود سخن گفته و با کلماتی که پیش

«امروز اگر صدای او را بشنوید، بغاوت نکنید.»

^۸ اگر یوشع به آنها آرامی می بخشید، بعدها خدا دربارهٔ روز دیگری چنین سخن نمی گفت. ^۹ بنابراین استراحت دیگری مثل استراحت روز سبت در انتظار قوم خداست. ^{۱۰} زیرا هر کس به آرامی خدا داخل شود مثل خود خدا از کار خویش دست کشید. ^{۱۱} پس سخت بکوشیم تا به آرامی او برسیم. مبادا کسی از ما گرفتار همان نافرمانی و بی ایمانی که قبلاً نمونه ای از آن را ذکر کردیم، بشود.

^{۱۲} زیرا کلام خدا زنده و فعال و از هر شمشیر دو دم تیزتر است و تا اعماق روح و نفس و مفاصل و مغز استخوان نفوذ می کند و نیات و اغراض دل انسان را آشکار می سازد. ^{۱۳} در آفرینش چیزی نیست که از خدا پوشیده بماند. همه چیز در برابر چشمان او برهنه و رو باز است و همه ما باید حساب خود را به او پس بدهیم.

برتری عیسی بر کاهنان اعظم

^{۱۴} پس چون ما کاهنی به این بزرگی و عظمت داریم که به عرش برین رفته است، یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف ایمان خود را محکم نگاهداریم؛ ^{۱۵} زیرا کاهن اعظم ما کسی نیست که از همدردی با ضعف های ما بی خبر باشد، بلکه کسی است که درست مانند ما در هر چیز وسوسه شد، ولی مرتکب گناه نگردید. ^{۱۶} پس بیائید تا با دلیری به تخت فیض بخش خدا نزدیک شویم تا رحمت یافته در وقت احتیاج از او فیض یابیم.

۵ هر کاهن اعظم از میان مردم برگزیده می شود تا نماینده مردم در حضور خدا باشد. او به خاطر گناهان انسان هدایائی تقدیم خدا نموده و مراسم قربانی را انجام می دهد. ^۲ چون خود او دچار ضعف های انسانی است، می تواند با نادانان و خطا کاران همدردی کند. ^۳ ولی به علت ضعف خود مجبور است، نه تنها برای گناهان مردم، بلکه به خاطر گناهان خویش نیز قربانی بنماید. ^۴ هیچ کس اختیار ندارد این افتخار را نصیب خود بسازد، بلکه فقط با دعوت خدا به این مقام می رسد، همان طور که هارون رسید.

۵ مسیح هم همین طور، او افتخار کاهن اعظم شدن را برای خود اختیار نکرد، بلکه خدا به او فرمود:

«تو پسر من هستی، امروز پدر تو شده ام.»

۶ و نیز در جای دیگر می فرماید:

«تو تا ابد کاهن هستی، کاهنی در رتبه ملکیزدق»

۷ عیسی در زمان زندگی خود بر روی زمین با ناله و اشک از درگاه خدایی که به رهایی او از مرگ قادر بود دعا کرد و حاجت خویش را خواست و به خاطر این که کاملاً تسلیم بود، دعایش مستجاب شد. ^۸ اگر چه پسر خدا بود، اطاعت را از راه تحمل درد و رنج آموخت ^۹ و وقتی به کمال رسید سرچشمه نجات ابدی برای همه ایمانداران خود گردید، ^{۱۰} و خدا لقب کاهن اعظم، کاهنی به رتبه ملکیزدق را به او داد.

خطر دوری از خدا

^{۱۱} درباره او مطالب زیادی برای گفتن داریم، ولی شرح آن برای شما که در درک این چیزها دیر فهم شده‌اید دشوار است. ^{۱۲} شما که تا این موقع باید معلم دیگران می‌شدید، هنوز احتیاج دارید که پیام خدا را از الفبا به شما تعلیم دهند. شما به جای غذای قوی به شیر احتیاج دارید. ^{۱۳} کسی که فقط شیر می‌خورد، طفل است و در تشخیص حق از باطل تجربه ندارد. ^{۱۴} اما غذای قوی برای بزرگسالان و برای کسانی است، که قوای ذهنی آن‌ها با تمرین‌های طولانی پرورش یافته است تا بتوانند نیک و بد را از هم تشخیص بدهند.

^{۱۶} پس دروس ابتدای مسیحیت را پشت سر بگذاریم و به سوی بلوغ پیش برویم. ما نباید همان مقدمات اولیه مانند توبه از اعمال بی‌فایده، ایمان به خدا، ^۲ تعلیم درباره تعمیدهای مختلف و دستگذاری و قیامت مردگان و جزای ابدی را تکرار کنیم. ^۳ بلی، به امید خدا پیش خواهیم رفت.

^۴ زیرا آنانی که از نور خدا روشن شده‌اند و طعم عطیة آسمانی را چشیده‌اند و در روح القدس نصیبی دارند ^۵ و نیکویی کلام خدا را در وجود خود درک کرده‌اند و نیروهای دنیای آینده را احساس نموده‌اند، ^۶ اگر بعد از این همه برکات، باز از ایمان دور شوند، محال است که بار دیگر آنها را به توبه کشانید، زیرا با دستهای خود پسر خدا را بار دیگر به صلیب می‌خکوب می‌کنند و او را در برابر همه رسوا می‌سازند.

^۷ اگر زمین، بارانی را که بر آن می‌بارد جذب کند و محصول مفیدی برای کارندگان خود بیار آورد، از طرف خدا برکت می‌یابد. ^۸ اما اگر آن زمین خار و خس و علف‌های هرزه به بار آورد، زمینی بی‌فایده است و احتمال دارد مورد لعنت خدا قرار گیرد و در آخر محکوم به سوختن خواهد شد.

^۹ اما ای عزیزان، در مورد شما اطمینان داریم که حال و وضع بهتری دارید و این نشانهٔ نجات شماست. ^{۱۰} خدا با انصاف است و همهٔ کارهایی را که شما کرده‌اید و محبتی را که به نام او نشان داده‌اید فراموش نخواهد کرد، مقصود من آن کمکی است که به برادران مسیحی خود کرده‌اید و هنوز هم می‌کنید. ^{۱۱} اما آرزو می‌کنیم که همهٔ شما همان شوق زیادی را نشان دهید تا آخر امید شما از قوه به فعل در آید. ^{۱۲} ما نمی‌خواهیم که شما تنبل باشید، بلکه می‌خواهیم از آنانی که به وسیلهٔ ایمان و صبر، وارث وعده‌ها می‌شوند، پیروی کنید.

وعدهٔ خدا

^{۱۳} وقتی خدا به ابراهیم وعده داد، به نام خود سوگند یاد کرد، زیرا کسی بزرگتر نبود که به نام او سوگند یاد کند. ^{۱۴} وعدهٔ خدا این بود: «سوگند می‌خورم که تو را به فراوانی برکت دهم و اولادهٔ تو را زیاد گردانم.» ^{۱۵} پس از آن که ابراهیم با صبر زیاد انتظار کشید، وعدهٔ خدا برای او به انجام رسید. ^{۱۶} در میان آدمیان رواج است که به چیزی بزرگتر از خود سوگند بخورند و آنچه مباحثات را خاتمه می‌دهد معمولاً یک سوگند است. ^{۱۷} همچنین خدا وقتی می‌خواست صریح‌تر و واضح‌تر به وارثان وعده نشان دهد که

مقاصد او غیرقابل تغییر است آن را با سوگند تأیید فرمود.^{۱۸} پس در اینجا دو امر غیرقابل تغییر (یعنی وعده و سوگند خدا) وجود دارد که محال است خدا در آن‌ها دروغ بگوید. پس ما که به او پناه برده‌ایم، با دلگرمی بسیار به امیدی که او در برابر ما قرار داده است چنگ می‌زنیم.^{۱۹} آن امیدی که ما داریم مثل لنگری برای جانهای ماست، آن امید قوی و مطمئن است، که از پردهٔ عبادتگاه گذشته و به قدس الاقدس وارد می‌شود؛^{۲۰} جایی که عیسی از جانب ما و پیش از ما داخل شده و در رتبهٔ کهنات ملکیزدق تا به ابد کاهن اعظم شده است.

ملکیزدق - نمونه‌ای از مسیح

۷ این ملکیزدق، پادشاه «سالم» و کاهن خدای متعال بود. وقتی ابراهیم بعد از شکست دادن پادشاهان مراجعت می‌کرد ملکیزدق با او روبرو شد و او را برکت داد^۲ و ابراهیم ده یک هر چیزی را که داشت به او داد. (نام او در مقام اول به معنی «پادشاه عدالت» و بعد پادشاه سالم یعنی «پادشاه صلح و سلامتی» است.)^۳ از پدر و مادر و خانواده و نسب یا تولد و مرگ او نوشته‌ای در دست نیست. او نمونه‌ای از پسر خدا و کاهنی برای تمام زمانها است.

۴ ملکیزدق چه شخص مهمی بود که حتی پدر ما ابراهیم، ده یک غنایم خود را به او داد.^۵ درست است که شریعت به فرزندان لاوی که به مقام کاهنی می‌رسند، حکم می‌کند که از مردم یعنی از برادران خود ده یک بگیرند، اگرچه همه آنها فرزندان ابراهیم هستند.^۶ اما ملکیزدق با وجود اینکه از نسل آن‌ها نیست از

ابراهیم ده یک گرفته است و برکات خود را به کسی داد که خدا به او وعده‌های زیادی داده بود^۷ و هیچ شکی نیست که برکت دهنده از برکت گیرنده بزرگتر است.^۸ از یک طرف کاهنان که انسان‌های فانی هستند ده یک می‌گیرند و از طرف دیگر، ملکیزدق، آن کسی که زنده بودنش تأیید می‌شود، ده یک می‌گرفت.^۹ بنابراین ما می‌توانیم بگوئیم که وقتی ابراهیم ده یک می‌داد، لاوی نیز که گیرنده ده یک بود به وسیله شخص ابراهیم به ملکیزدق ده یک داده است.^{۱۰} وقتی ملکیزدق با ابراهیم ملاقات کرد، لاوی در صلب او بود.

^{۱۱} حال اگر کمال به وسیله کاهنان رتبه لاوی مسیر می‌شد، (فراموش نشود که در دوران این کاهنان شریعت به مردم داده شد) چه نیازی بود، به ظهور کاهن دیگری به رتبه ملکیزدق و نه به رتبه هارون؟^{۱۲} هر تغییری در رشته کاهنان، تغییر شریعت را لازم می‌سازد.^{۱۳} کسی که این چیزها درباره‌اش گفته شده است از فرزندان لاوی نبود، بلکه عضو طایفه‌ای بود که هیچ کس هرگز از آن طایفه پیش قربانگاه خدمت نکرده بود.^{۱۴} درست است که خداوند ما از طایفه یهودا است. طایفه‌ای که موسی وقتی درباره کاهنان صحبت می‌کرد، هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است.

^{۱۵} این موضوع بازهم روشنتر می‌شود، آن کاهن دیگری که ظهور می‌کند، کسی مانند ملکیزدق است.^{۱۶} او به وسیله قدرت یک زندگی بی‌زوال، به کاهنی رسید و نه بر اساس تورات،^{۱۷} زیرا کلام خدا درباره او چنین شهادت می‌دهد:

«تو تا به ابد کاهن هستی، کاهنی به رتبه ملکیزدق.»

۱۸ پس احکام اولیه به این علت که بی اثر و بی فایده بود محو گردید،^{۱۹} زیرا شریعت موسی هیچ کسی یا چیزی را به کمال نمی‌رسانید، ولی یک امید بهتری جای آن را گرفته است و این همان امیدی است که ما را به حضور خدا می‌آورد.^{۲۰} به علاوه ملکیزدق با یاد کردن سوگند کاهن گردید در صورتی که لاویان بدون هیچ سوگندی کاهن شدند،^{۲۱} ولی مأموریت عیسی با سوگند تأیید شد، وقتی خدا به او فرمود:

«تو تا به ابد کاهن هستی.»

خداوند این را با سوگند یاد کرده و هرگز قول او عوض نخواهد شد.^{۲۲} پس عهد و پیمانی که عیسی ضامن آن است چقدر باید بهتر باشد!^{۲۳} تفاوت دیگر آن این است که کاهنان سلسلهٔ لاوی بسیار زیاد بودند، زیرا مرگ، آنها را از ادامه خدمت باز می‌داشت،^{۲۴} اما عیسی همیشه کاهن است و جانشینی ندارد، زیرا او تا به ابد زنده است^{۲۵} و به این سبب او قادر است همه کسانی را که به وسیلهٔ او به حضور خدا می‌آیند کاملاً و برای همیشه نجات بخشد، زیرا او تا به ابد زنده است و برای آنها شفاعت می‌کند.

۲۶ در حقیقت این همان کاهنی است که ما به او نیاز داریم - کاهنی پاک، بی‌غرض، بی‌آلایش، دور از گناهکاران که به مقامی بالاتر از تمام آسمان‌ها سرافراز گردید.^{۲۷} او هیچ نیازی ندارد که مثل کاهنان اعظم دیگر، همه روزه اول برای گناهان خود و سپس برای گناهان مردم، قربانی کند، زیرا او خود را تنها یک بار و آن هم برای همیشه به عنوان قربانی تقدیم نمود.^{۲۸} شریعت، کاهنان اعظم را از میان آدم‌های ضعیف و ناقص بر می‌گزیند، اما خدا بعد از شریعت با بیان سوگند خویش، پسری را برگزید که برای همیشه

عیسی - کاهن اعظم ما

۱ خلاصه آنچه تا به حال گفته‌ایم این است که ما چنین کاهنی داریم که در عالم بالا در دست راست تخت خدای قادر مطلق نشسته است^۲ و به عنوان کاهن اعظم در درگاه و در آن خیمه^۳ حقیقی که به دست خداوند برپا شده است، نه به دست انسان، خدمت می‌کند.

۳ همچنین هر کاهن اعظم مأمور است، هدایایی تقدیم نموده مراسم قربانی را انجام دهد. بنابراین، کاهن ما نیز باید چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد. ۴ اگر عیسی هنوز بر روی زمین می‌بود، به عنوان یک کاهن خدمت نمی‌کرد، زیرا کاهنان دیگری هستند که هدایایی را که شریعت مقرر کرده است، تقدیم کنند. ۵ اما خدمتی که این کاهنان می‌کنند، فقط نمونه و سایه‌ای از آن خدمت آسمانی و واقعی است. وقتی موسی می‌خواست خیمه^۶ حضور خدا را بسازد، خدا با تأکید به او امر کرده گفت: «دقت کن که هر چیزی را مطابق نمونه‌ای که بر فراز کوه به تو نشان داده شد بسازی.» ۶ اما در حقیقت خدمتی که به عیسی عطا شد از خدمت لاویان به مراتب بهتر است؛ همانطور که عهد و پیمانی که او میان خدا و انسان ایجاد کرده بهتر است، زیرا این عهد بر وعده‌های بهتری استوار است.

۷ اگر آن عهد اول بدون نقص می‌بود، هیچ نیازی نمی‌بود که عهد دیگری جای آن را بگیرد، ۸ اما خداوند به قوم برگزیده خود انتقاد

کرده می فرماید:

«ایامی خواهد آمد که من عهدی نوی با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا ببندم. خداوند می گوید: ^۹ این عهد نو مانند آن عهدی نخواهد بود که با اجداد ایشان بستم، در روزی که دست آن ها را گرفته و به بیرون از مصر هدایت شان نمودم، زیرا آن ها مطابق آن عهد عمل نکردند، و خداوند می فرماید: پس من هم از آنها روی گردان شدم. ^{۱۰} خداوند می فرماید: این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست: شریعت خود را در افکار آنها خواهم گذاشت و آن را بر دل های شان خواهم نوشت. من خدای آنها و آنها قوم برگزیده من خواهند بود ^{۱۱} و دیگر احتیاجی نیست که آنها به همشهریان خود تعلیم دهند یا به برادر خود بگویند: خدا را بشناس، زیرا همه از بزرگ تا کوچک مرا خواهند شناخت. ^{۱۲} در مقابل خطایای آن ها بخشنده خواهم بود و دیگر گناهان آنها را هرگز به یاد نخواهم آورد.»

^{۱۳} خدا وقتی درباره عهد نو سخن می گوید، عهد اولی را منسوخ می شمارد و هرچه کهنه و فرسوده شود بزودی از بین خواهد رفت.

عبادت زمینی و آسمانی

^۹ عهد اول شامل آداب و رسوم مذهبی و عبادتگاه زمینی بود، ^۲ خیمه ای که از دو قسمت تشکیل شده بود: در قسمت بیرونی آن یعنی در قدس، چراغدان، میز و نان تقدیمی قرار داشت. ^۳ در پشت پرده دوم، اطاقی بود که قدس الاقداس نام داشت. ^۴ آتشدان زیرین که برای سوزانیدن بخور به کار می رفت و صندوق پیمان که

تماماً از طلا پوشیده شده بود، در آنجا قرار داشت. آن صندوق دارای ظرف طلایی با نان «مَنَّا» بود و چوبدستی شگوفه کرده هارون و دو لوح سنگ که بر آن کلمات عهد نوشته شده بود، در آن قرار داشت.^۵ در بالای این صندوق کرویهای پُر جلال خدا، بر تخت رحمت سایه انداخته بودند. اکنون فرصت آن نیست که هر چیزی را به تفصیل شرح دهیم.

^۶ پس از اینکه همه این چیزها آماده شد، کاهنان هر روز به قسمت بیرونی آن داخل می‌شوند تا وظائف خود را انجام دهند،^۷ اما فقط کاهن اعظم می‌تواند به قدس الاقداس برود و آن هم سالی یکبار! و با خود خون می‌برد تا به خاطر خود و به خاطر گناهانی که مردم از روی نادانی کرده‌اند آن را تقدیم نماید.^۸ روح القدس به این وسیله به ما می‌آموزد که تا وقتی خیمه بیرونی هنوز برپاست، راه قدس الاقداس به سوی ما باز نشده است.^۹ این امر به زمان حاضر اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که هدایا و قربانی‌هایی که به پیشگاه خداوند تقدیم می‌شد، نمی‌توانست به عبادت کننده آسودگی خاطر ببخشد.^{۱۰} اینها فقط درباره خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و راه‌های گوناگون طهارت و احکام مربوط به بدن انسان می‌باشند و تا زمانی که خدا همه چیز را اصلاح کند دارای اعتبار هستند.

^{۱۱} اما وقتی مسیح به عنوان کاهن اعظم و آورنده برکات سماوی آینده ظهور کرد، به خیمه‌ای بزرگتر و کاملتر که به دست‌های انسان ساخته نشده و به این دنیای مخلوق تعلق ندارد، وارد شد.^{۱۲} وقتی عیسی یکبار و برای همیشه وارد قدس الاقداس شد، خون بزها و گوساله‌ها را با خود نبرد، بلکه با خون خود به آنجا رفت و نجات ابدی را برای ما فراهم ساخت.^{۱۳} زیرا اگر خون بزها و گاوان نر و

پاشیدن خاکستر گوسالهٔ ماده می تواند آنانی را که جسماً ناپاک یا نجس بوده اند پاک سازد،^{۱۴} خون مسیح چقدر بیشتر انسان را پاک می گرداند. او خود را به عنوان قربانی کامل و بدون نقص به وسیلهٔ روح ابدی به خدا تقدیم کرد. خون او وجدان ما را از اعمال بی فایده پاک خواهد کرد تا ما بتوانیم خدای زنده را عبادت و خدمت کنیم.

^{۱۵} به این جهت او واسطهٔ یک عهد نو است تا کسانی که از طرف خدا خوانده شده اند، میراث ابدی را که خدا وعده فرموده است دریافت کنند. این کار عملی است، زیرا مرگ او وسیلهٔ آزادی و آمرزش از خطایابی است که مردم در زمان عهد اول مرتکب شده بودند.^{۱۶} برای این که یک وصیت نامه اعتبار داشته باشد، باید ثابت شود که وصیت کننده مرده است،^{۱۷} زیرا وصیت نامه بعد از مرگ معتبر است و تا زمانی که وصیت کننده زنده است، اعتباری ندارد.^{۱۸} و به این علت است که عهد اول بدون ریختن خون نتوانست اعتبار داشته باشد،^{۱۹} زیرا وقتی موسی همهٔ احکام شریعت را به مردم رسانید، خون بز و گوساله را گرفته با آب و پشم و شاخه های زوفا بر خود کتاب و بر همهٔ مردم پاشید^{۲۰} و گفت: «این خون، عهدی را که خدا برای شما مقرر فرموده است تأیید می کند.»^{۲۱} به همان طریق او همچنین بر خیمهٔ مقدس و بر تمام ظروفی که برای خدمت خدا به کار می رفت، خون پاشید^{۲۲} و در واقع مطابق شریعت تقریباً همه چیز با خون پاک می شود و بدون ریختن خون، آمرزش گناهان وجود ندارد.

عیسی - قربانی گناه

۲۳ پس اگر این چیزها که نمونه‌هایی از حقایق آسمانی هستند، باید به این طرز پاک شوند، البته واقعات آسمانی احتیاج به قربانی‌های بهتری دارند،^{۲۴} زیرا مسیح به آن عبادتگاهی که ساخته دست‌های انسان و فقط نشانه‌ای از آن عبادتگاه واقعی باشد وارد نشده است، بلکه او به خود آسمان وارد گردید تا در حال حاضر از جانب ما در پیشگاه خدا حضور داشته باشد.^{۲۵} کاهن اعظم هر سال به قدس الاقداس وارد می‌شود و خون تقدیم می‌کند، ولی نه خون خودش را، اما عیسی برای تقدیم خود به عنوان قربانی، فقط یکبار به آنجا وارد شد.^{۲۶} اگر چنان می‌شد، او می‌بایست از زمان خلقت عالم تا به امروز بارها متحمل مرگ شده باشد، ولی چنین نشد؛ زیرا او فقط یکبار و آن هم برای همیشه در زمان آخر ظاهر شد تا با مرگ خود به عنوان قربانی، گناه را از بین ببرد.^{۲۷} همانطور که همه باید یکبار بمیرند و بعد از آن برای داوری در حضور خدا قرار گیرند،^{۲۸} مسیح نیز یک بار به عنوان قربانی تقدیم شد تا بار گناهان آدمیان را به دوش گیرد و بار دوم که ظاهر شود برای کفاره گناهان نخواهد آمد، بلکه برای نجات آنانی که چشم به راه او هستند می‌آید.

۱۰ شریعت موسی تصویر کاملی از حقایق آسمانی نبود، بلکه فقط درباره چیزهای نیکوی آینده از پیش خبر می‌داد. مثلاً سال به سال مطابق شریعت همان قربانی‌ها را تقدیم می‌کردند ولی با وجود این، عبادت‌کنندگان نتوانستند به کمال برسند.^۲ اگر این عبادت‌کنندگان فقط یکبار از گناهان خود پاک می‌شدند، دیگر خود را گناهکار نمی‌دانستند و تمام این قربانی‌ها موقوف می‌شد. اما در عوض این قربانی‌ها همه ساله گناهان آن‌ها را به یاد شان

می‌آورد،^۴ زیرا خون گاوها و بزها هرگز نمی‌تواند گناهان را برطرف نماید.

^۵ به این جهت وقتی مسیح به دنیا آمد فرمود:

«تو خواهان قربانی و هدیه نبودی. اما برای من بدنی فراهم کردی.

^۶ از قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه خوشنود نبودی.

^۷ آنگاه گفتم: اینک می‌آیم! تا اراده‌تو را بجا آورم؛ در طومار کتاب درباره‌ی من نوشته شده است.»

^۸ او اول می‌گوید: «خواهان قربانی و هدیه و قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های گناه نبودی و از آنها خشنود نمی‌شدی.» (با وجود اینکه اینها مطابق شریعت تقدیم می‌شوند.)^۹ آنگاه می‌گوید: «من می‌آیم تا اراده‌تو را بجا آورم.» به این ترتیب خدا قربانی‌های پیشین را منسوخ نموده و قربانی مسیح را به جای آنها برقرار ساخته است.^{۱۰} پس وقتی عیسی مسیح اراده‌ی خدا را بجا آورد و بدن خود را یکبار و آن هم برای همیشه به عنوان قربانی تقدیم کرد، ما از گناهان خود پاک گشتیم.

^{۱۱} هر کاهنی همه روزه پیش قربانگاه می‌ایستد و خدمت خود را انجام می‌دهد و یک نوع قربانی را بارها تقدیم می‌کند، قربانی‌ای که هرگز قادر به برطرف ساختن گناه نیست.^{۱۲} اما مسیح برای همیشه یک قربانی به جهت گناهان تقدیم نمود و بعد از آن در دست راست خدا نشست.^{۱۳} و در آنجا منتظر است تا دشمنانش پای انداز او گردند.^{۱۴} پس او با یک قربانی، کسانی را که خدا

تقدیس می‌کند، برای همیشه کامل ساخته است.

^{۱۵} در اینجا ما گواهی روح القدس را نیز داریم. او پیش از همه می‌گوید:

^{۱۶} «این است پیمانی که پس از آن ایام با آنها خواهم بست.»
خداوند می‌فرماید:

«احکام خویش را در دل‌های آنها می‌گذارم و آنها را بر افکار
شان خواهم نوشت.»

^{۱۷} و بعد از آن می‌فرماید: «من هرگز گناهان و خطایای آنها را به
یاد نخواهم آورد.» ^{۱۸} پس وقتی این گناهان آمرزیده شده‌اند، دیگر
نیازی به قربانی گناه نیست.

آمادگی برای رسیدن به حضور خدا

^{۱۹} پس ای برادران، به وسیله خون عیسی مسیح، ما اجازه یافته‌ایم
که با شجاعت ^{۲۰} از راه تازه و زنده‌ای که مسیح از میان پرده به
روی ما باز کرده است، یعنی به وسیله بدن خود او، به
قدس الاقداس وارد شویم. ^{۲۱} چون ما کاهن اعظمی داریم که بر
خاندان خدا مقرر شده است، ^{۲۲} بیائید از صمیم قلب و از روی
ایمان کامل دل‌های خود را از اندیشه‌های گناه‌آلود پاک ساخته و
بدن‌های خود را با آب خالص بشوئیم و به حضور خدا بیائیم.
^{۲۳} امیدی را که به آن اقرار می‌کنیم محکم نگهداریم، زیرا او که به
ما وعده داده است، به وعده‌های خود وفا می‌کند. ^{۲۴} برای پیشی
جستن در محبت و اعمال نیکو یکدیگر را تشویق کنیم. ^{۲۵} از

جمع شدن با برادران در مجالس کلیسایی غفلت و غیر حضری نکنیم، چنانکه بعضی‌ها به این عادت کرده‌اند؛ بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق نمائیم، مخصوصاً در این ایام که روز خداوند نزدیک می‌شود،^{۲۶} زیرا اگر ما پس از شناخت کامل حقیقت قصداً به گناه خود ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی‌ای برای گناهان ما باقی نمی‌ماند!^{۲۷} بلکه فقط دورنمای وحشتناک روز داوری و خشم تباه کن که دشمنان خدا را می‌سوزاند، در انتظار ماست.

^{۲۸} اگر کسی به شریعت موسی بی‌اعتنایی می‌کرد، بدون دلسوزی به گواهی دو یا سه شاهد کشته می‌شد.^{۲۹} پس اگر کسی پسر خدا را تحقیر نموده و خونی را که عهد بین خدا و انسان را اعتبار بخشیده و او را از گناهانش پاک ساخته است ناچیز شمارد و به روح پُر فیض خدا بی‌حرمتی نماید، با چه جزای شدیدتری روبرو خواهد شد!^{۳۰} زیرا ما می‌دانیم کیست آنکه گفت: «انتقام از من است، من تلافی خواهم کرد» و «خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود.»^{۳۱} چه هولناک و ترس‌آور است افتادن در دست‌های خدای زنده!

^{۳۲} شما باید ایام گذشته را به یاد آورید: وقتی تازه از نور روشن شده بودید؛ در آن روزها رنج‌های زیاد دیدید و استوار ماندید.

^{۳۳} شما بارها پیش مردم در بی‌حرمتی و بدرفتاری گرفتار بودید و گاهی با کسانی که چنین بدی‌ها را می‌دیدند شریک و سهیم بودید.

^{۳۴} شما با زندانیان هم درد بودید و وقتی مال شما را به زور می‌گرفتند با خوشرویی آن را قبول می‌کردید چون می‌دانستید که صاحب چیزی هستید که به مراتب بهتر بوده و تا به ابد باقی می‌ماند.^{۳۵} بنابراین اعتماد خود را از دست ندهید، زیرا اجر بزرگی به همراه خواهد داشت.^{۳۶} شما به صبر بیشتری احتیاج دارید تا

ارادهٔ خدا را انجام داده، برکات وعده شده را به دست آورید.

^{۳۷} چنانچه کتاب مقدس می‌گوید:

«دیگر طولی نخواهد کشید و آن که قرار است بیاید، خواهد

آمد و دیر نخواهد کرد.»

^{۳۸} و خداوند می‌فرماید: «شخص عادل به وسیلهٔ ایمان زندگی می‌کند، اما اگر کسی از من روی گردان شود از او خشنود نخواهم بود.»

^{۳۹} ولی ما جزء آنها نیستیم که روی گردان شده و هلاک می‌شوند. ما ایمان داریم و این ایمان برای نجات جانهای ما است.

شاهکارهای ایمان

۱ | ایمان اطمینانی است به چیزهایی که به آن امیدواریم و اعتقادی است به چیزهایی که نمی‌بینیم.^۲ از راه ایمان بود که مردم در ایام گذشته پیش خدا قبول شدند.

^۳ از راه ایمان، ما می‌فهمیم که کائنات چگونه با کلام خدا خلقت یافت، به طوری که آنچه دیده می‌شود از چیزهای نادیدنی به وجود آمد.

^۴ و ایمان باعث شد که قربانی هابیل بیشتر از قربانی قائن منظور خدا گردد و او با آن ایمان در حضور خدا عادل شمرده شد، زیرا خدا هدایای او را قبول فرمود و اگرچه او مرده است، ولی هنوز به وسیلهٔ ایمان خود با ما سخن می‌گوید.

^۵ از راه ایمان «خنوخ» بدون چشیدن طعم مرگ به زندگی دیگر انتقال یافت. اثری از او یافت نشد، زیرا خدا او را بُرده بود چون پیش از آنکه به زندگی دیگر انتقال یابد، کلام خدا دربارهٔ او شهادت داده گفته بود که او خدا را خشنود ساخته است ^۶ و بدون ایمان محال است که انسان خدا را خشنود سازد، زیرا هر کس به سوی خدا می‌آید، باید ایمان داشته باشد که او هست و به جویندگان خود اجر می‌دهد.

^۷ وقتی نوح اخطارهای خدا را دربارهٔ امور آینده که او هنوز نتوانسته بود ببیند شنید، از روی ایمان از خدا اطاعت کرد و برای نجات خانوادهٔ خویش کشتی‌ای ساخت. به این وسیله سر دنیا حکم داد و عدالت را که از راه ایمان حاصل می‌شود به دست آورد.

^۸ ایمان باعث شد که وقتی ابراهیم امر خدا را در مورد رفتن به سرزمینی که قرار بود بعدها مالک آن بشود شنید، اطاعت کرد و بدون آنکه بداند کجا می‌رود، حرکت کرد. ^۹ او از روی ایمان مثل یک بیگانه در سرزمینی که خدا به او وعده داده بود، سرگردان شد و با اسحاق و یعقوب که در آن وعده با او شریک بودند، در خیمه زندگی کرد. ^{۱۰} ابراهیم چنین کرد، چون در انتظار شهری بود با بنیاد استوار که مهندس و معمارش خداست.

^{۱۱} از روی ایمان، ساره با وجود اینکه از سن باروری گذشته بود، قدرت تولید نسل یافت، زیرا مطمئن بود که خدا به قول خود وفا می‌کند ^{۱۲} و به این سبب از یک مرد، آن هم مردی تقریباً مرده، نسل‌های بی‌شماری مثل ستارگان آسمان و یا ریگ‌های ساحل بحر پدید آمد.

^{۱۳} تمامی این اشخاص در ایمان مُردند، بدون اینکه صاحب برکات موعود شوند، اما انجام وعده‌ها را از دور دیده و با خوشی در انتظار آن‌ها بودند و به این حقیقت شهادت دادند که در این دنیا، مسافر و بیگانه‌اند. ^{۱۴} آن‌ها که خود را بی‌وطن و بیگانه می‌دانند و اضماً نشان می‌دهند که هنوز به دنبال وطنی برای خود می‌گردند. ^{۱۵} اگر آن‌ها هنوز برای زمینی که ترک کرده بودند دلتنگ می‌بودند، فرصت کافی داشتند که به آنجا مراجعت کنند. ^{۱۶} اما در عوض می‌بینیم که آن‌ها علاقمند مملکتی بهتر - یعنی مملکتی آسمانی - هستند. به این جهت خدا عار ندارد که خدای آنها خوانده شود، زیرا شهری برای آنها آماده کرده است.

^{۱۷} از روی ایمان، ابراهیم در وقت آزمایش اسحاق را به عنوان قربانی به خدا تقدیم نمود - بلی، این مرد که وعده‌های خدا را پذیرفته بود، حاضر شد یگانه پسر خود را به خدا تقدیم نماید، ^{۱۸} با اینکه خدا به او گفته بود نسل او از اسحاق خواهد بود. ^{۱۹} ابراهیم خاطر جمع بود که خدا قادر است اسحاق را حتی پس از مرگ زنده گرداند. به عبارت دیگر او را به صورت نمونه‌ای از مردگان باز یافت.

^{۲۰} ایمان باعث شد که اسحاق یعقوب و عیسو را برکت دهد و از امور آینده سخن گوید.

^{۲۱} ایمان باعث شد که یعقوب وقتی مشرف به مرگ بود، هر دو پسر یوسف را برکت دهد و در حالی که بر عصای خود تکیه زده بود، خدا را عبادت نماید. ^{۲۲} از راه ایمان، یوسف در پایان عمر خویش درباره رفتن اسرائیل از مصر سخن گفت و به آنها امر کرد با استخوان‌های او چه کنند.

^{۲۳} وقتی موسی متولد شد و والدینش دیدند که او کودک زیبائی بود، آن‌ها از روی ایمان او را مدت سه ماه در منزل پنهان کردند و از نافرمانی از امر پادشاه نترسیدند.

^{۲۴} ایمان باعث شد که موسی وقتی به سن بلوغ رسید، از مقام و لقب «پسر دختر فرعون» بودن صرف نظر نموده آن را رد کند ^{۲۵} و تحمل سختی‌ها با قوم برگزیده خدا را به لذت‌های زودگذر گناه ترجیح دهد.

^{۲۶} رسوایی و خواری به خاطر مسیح را ثروتی بزرگتر از گنج‌های مصر دانست، زیرا او به اجر عالم آینده چشم دوخته بود.

^{۲۷} ایمان باعث شد که موسی مصر را ترک کند و از خشم شاه نترسد، زیرا او مانند کسی که خدای نادیده را همیشه در پیش چشمان خود می‌بیند، ثابت قدم بود.

^{۲۸} به وسیله ایمان، موسی عید فصّح را برقرار نمود و خون را پاشید تا فرشته مرگ، اولباری‌های اسرائیل را نکشد.

^{۲۹} از راه ایمان بود که قوم اسرائیل از بحیره احمر عبور کرد، چنانکه گویی از زمین خشک می‌گذرد، اما وقتی مصریان کوشش کردند از آن بگذرند، غرق شدند.

^{۳۰} ایمان باعث شد که دیوارهای شهر اریحا پس از اینکه قوم اسرائیل هفت روز دور آن گشتند، فروریخت. ^{۳۱} ایمان باعث شد که راحاب فاحشه بر خلاف مردم سرکشی که کشته شدند نجات یابد، زیرا او از جاسوسان با صلح و سلامتی استقبال نمود.

^{۳۲} دیگر چه بگویم؟ وقت کافی ندارم که دربارهٔ جدعون، باراق، شمشون، یفتاح، داود، و سموئیل و پیامبران سخن گویم. ^{۳۳} آن‌ها از راه ایمان، سلطنت‌ها را برانداختند و عدالت برقرار ساختند و آنچه را که خدا به آن‌ها وعده داده بود به دست آوردند. آن‌ها دهان شیران را بستند. ^{۳۴} آتش سوزان را خاموش کردند. از دم شمشیر رهایی یافتند. در عین ضعف و ناتوانی قدرت یافتند. در جنگ شجاع گشتند و لشکریان دشمن را تار و مار نمودند. ^{۳۵} زنان، مردگان خود را زنده یافتند. دیگران تا سرحد مرگ شکنجه دیدند و آزادی را نپذیرفتند تا آخر به زندگی بهتر نایل شوند. ^{۳۶} دیگران با سختی‌های بسیار مانند استهزاها، تازیانه‌ها و حتی زنجیر و حبس آزموده شدند. ^{۳۷} سنگسار گردیدند و با اره دو نیم شدند و با شمشیر به قتل رسیدند. آن‌ها ملبس با پوست گوسفند و بز، آواره و سرگردان بودند و متحمل فقر و تنگدستی و ظلم و جور می‌شدند. ^{۳۸} دنیا لیاقت آن‌ها را نداشت. آن‌ها در بیابانها و کوهستان‌ها آواره بودند و در غارها و سوراخ‌های زمین پنهان می‌شدند.

^{۳۹} با اینکه آن‌ها همه به خاطر ایمان شان مشهور شدند ولی وعده‌های خدا برای هیچ یک از آن‌ها کاملاً انجام نیافته بود، ^{۴۰} زیرا خدا برای ما نقشهٔ بهتری داشت و آن اینکه آن‌ها بدون ما به کمال نرسند.

خدا ما را تنبیه می‌کند

۱۲ | پس اکنون که گرداگرد ما چنین شاهدان امین بی‌شماری قرار گرفته‌اند، بیایید از هر قید و بندی و هر گناهی که دست و پای ما را بسته است آزاد شویم و با پشتکار در میدانی که در برابر ما

قرار گرفته است بدویم.^۲ به عیسی که ایمان ما را به وجود آورده و آن را کامل می‌گرداند، چشم بدوزیم. چون او به خاطر خوشی‌ای که در انتظارش بود، متحمل صلیب شد و به رسوایی مردن بر روی صلیب اهمیت نداد و بر دست راست تخت خدا نشسته است.^۳ به آنچه او متحمل شد و به ضدیت و مخالفتی که او از طرف گناهکاران دید، فکر کنید و مأیوس و دلسرد نشوید.^۴ هنوز لازم نشده است که شما در تلاش خود بر ضد گناه، خون خود را بریزید.^۵ آیا این کلام امیدبخش را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید:

«ای فرزند من، تأدیب خداوند را ناچیز نشمار و وقتی او تو را ملامت می‌کند ناامید نشو،^۶ زیرا خداوند هر که را دوست دارد تأدیب می‌کند، و هر که را به فرزندگی می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید.»

^۷ شما این سختی‌ها را می‌بینید، زیرا این نشان می‌دهد که خدا با شما مانند فرزندان خود رفتار می‌کند. آیا هرگز پسری بوده است، که به دست پدر خویش تأدیب نشده باشد؟^۸ پس اگر شما مانند دیگر پسران او تأدیب نشوید، معلوم است که حرام‌زاده هستید و نه فرزندان حقیقی!^۹ ما نسبت به پدران جسمانی خود که ما را تأدیب نمودند، احترام لازم را نشان داده‌ایم؛ پس چقدر بیشتر باید مطيع پدر روحانی خود باشیم و زنده بمانیم.^{۱۰} پدران جسمانی برای زمانی کوتاه مطابق صلاح‌دید خویش، ما را تأدیب کردند، اما خدا به خاطر خیریت ما چنان می‌کند تا شریک قدوسیت او شویم.^{۱۱} زمانی که تنبیه می‌شویم نه تنها برای ما خوش آیند نیست، بلکه دردناک است، اما بعدها کسانی که با چنین تنبیهی تأدیب شده‌اند، از ثمرات سلامتی یک زندگی پاک بهره‌مند می‌شوند.

اوامر و اخطارها

^{۱۲} به دستها و پاهاى سست و لرزان خود نیرو بخشید. ^{۱۳} در راه راست گام بردارید تا نه تنها اعضاى بیمار و معیوب شما، از مفاصل خود جدا نشوند، بلکه نیروى اولیۀ خود را بازیابند.

^{۱۴} بکوشید تا با همهٔ مردم با صلح و سلامتی رفتار کنید و زندگی شما پاک و منزّه باشد، زیرا بدون قدوسیت هیچ کس خداوند را نخواهد دید. ^{۱۵} به یکدیگر توجه کنید. مبدا کسی در میان شما از فیض خدا دور شود. متوجه باشید که کسی در میان شما مثل گیاهی تلخ و زهرآگین رشد نکند و موجب ناراحتی بسیاری نگردد ^{۱۶} و مانند عیسو، بداخلاق و بی دین نباشد. او حق اولباری خود را به یک وعده غذا فروخت، ^{۱۷} و شما می دانید که اگرچه او بعداً می خواست آن برکت را باز به دست آورد، ولی پذیرفته نشد، زیرا راهی برای بازگشت نداشت، اگرچه او با ریختن اشک در پی آن بود.

^{۱۸} شما پیش آتشِ حس کردنی و مشتعل کوه سینا نیامده اید و در برابر تاریکی و تیرگی و گردباد ^{۱۹} و صدای شیپور و صداهایی که شنندگان آرزو داشتند دیگر آنها را نشنوند، قرار نگرفته اید. ^{۲۰} زیرا آنها نتوانستند فرمان خدا را که می فرماید: «حتی اگر حیوانی به کوه نزدیک شود، باید سنگسار گردد.» بپذیرند. ^{۲۱} آن منظره چنان ترسناک بود که خود موسی گفت: «می ترسم و می لرزم.»

^{۲۲} اما شما در مقابل کوه سهیون و شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی ایستاده اید و در برابر فرشتگان بی شمار ^{۲۳} و مجلس جشن

و اجتماع نخستزادگانی که نامهای آنها در عالم بالا ثبت شده است و در برابر خدا - داور همه - و ارواح عادلان قرار گرفته‌اید^{۲۴} و نزد عیسی، واسطهٔ عهد و پیمان جدید که خون ریختهٔ او نشان دهندهٔ پیامی بهتر از خون هابیل است، آمده‌اید.

^{۲۵} هوشیار باشید که از شنیدن صدای او که سخن می‌گوید

رونگردانید. آن‌ها که از شنیدن سخنان کسی که بر روی زمین سخن می‌گفت سرپیچی کردند، به جزای خود رسیدند. پس ما اگر از گوش دادن به آن کسی که از آسمان سخن می‌گوید روی گردانیم، دچار چه جزای شدیدتری خواهیم شد!^{۲۶} در آن زمان صدای او زمین را لرزانید، اما اکنون قول داده است که یک بار دیگر نه تنها زمین، بلکه آسمان‌ها را نیز خواهد لرزانید.^{۲۷} این کلمات، یعنی «یکبار دیگر»، نشان می‌دهد مخلوقاتی که لرزان و فنا پذیرند، از بین خواهند رفت و آنچه ثابت است، باقی خواهد ماند.^{۲۸} خدا را برای آن پادشاهی ثابت و فناپذیری که او به ما می‌دهد، سپاس گوئیم و او را آنطور که منظور اوست، عبادت نمائیم؛ یعنی با خوف و احترام.^{۲۹} زیرا خدای ما در واقع آتشی است که می‌سوزاند.

طرز خشنود ساختن خدا

۱۳ ^۱ چنانکه شایستهٔ برادران در مسیح است، یکدیگر را دوست بدارید.^۲ همیشه مهمان‌نواز باشید، زیرا بعضی‌ها با چنین کاری بدون آنکه خود بدانند، از فرشتگان پذیرائی کردند.^۳ زندانیان را چنانکه گوئی با ایشان هم زندان هستید به خاطر داشته باشید و ستمدیدگان را فراموش نکنید، چون شما هم مانند

آن‌ها ستم دیده‌اید.

^۴ همه باید ازدواج را محترم بشمارند و پیوند زناشویی را از آلودگی دور نگه دارند، زیرا خدا زناکاران را، خواه مجرد، خواه متأهل به جزا خواهد رسانید.

^۵ نگذارید عشق به پول، حاکم زندگی شما باشد، بلکه به آنچه دارید قانع باشید؛ زیرا خدا فرموده است: «من هرگز شما را تنها نخواهم گذاشت و ترک نخواهم کرد.» ^۶ پس ما می‌توانیم با اطمینان بگوئیم:

«خدا مددکار من است، من نخواهم ترسید. انسان چه می‌تواند به من بکند؟»

^۷ رهبران خود را که پیام خدا را به شما رسانیدند، فراموش نکنید. دربارهٔ عاقبت کار و زندگی آن‌ها فکر کنید و از ایمان آنها پیروی کنید. ^۸ عیسی مسیح، امروز همان است که دیروز بوده و تا ابد هم است. ^۹ نگذارید تعالیم عجیب و گوناگون شما را از راه راست منحرف سازد. روح انسان با فیض خدا تقویت می‌شود نه با قواعد مربوط به غذاها، زیرا کسانی که از این قواعد پیروی کرده‌اند، سودی نبرده‌اند.

^{۱۰} ما مسیحیان قربانگاهی داریم که کاهنان خیمهٔ مقدس حق خوردن از قربانی آن را ندارند. ^{۱۱} کاهن اعظم خون حیوانات را به عنوان قربانی گناه به قدس الاقداس می‌برد، ولی اجساد این حیوانات دور از خیمه‌ها سوخته می‌شد. ^{۱۲} به این جهت عیسی نیز در خارج از دروازهٔ شهر رنج دید تا مردم را با خون خود از گناهان

شان پاک سازد. ^{۱۳} پس بیائید تا دور از خیمه‌ها پیش او برویم و در ننگ و خواری او شریک شویم، ^{۱۴} زیرا برای ما در این دنیا هیچ شهری ابدی نیست و به این جهت ما جویای شهری هستیم که به زودی ظاهر می‌شود. ^{۱۵} پیوسته خدا را به وسیله عیسی حمد گوئیم و با صداهای خود نام او را تمجید نمائیم، این است قربانی ما به درگاه خدا. ^{۱۶} هرگز مهربانی و سخاوتمندی نسبت به یکدیگر را از یاد نبرید، زیرا اینگونه قربانی هاست که خدا را خشنود می‌سازد.

^{۱۷} از رهبران خود اطاعت و پیروی کنید، زیرا آنها حافظان جان‌های شما هستند و در برابر خدا مسئولند. طوری رفتار کنید که آن‌ها از خدمات خود راضی و خشنود باشند و نه ناراحت، چون در آن صورت فایده‌ای عاید شما نخواهد شد.

^{۱۸} برای ما دعا کنید. ما یقین داریم که بر خلاف وجدان خود عمل نکرده‌ایم، بلکه همیشه آنچه را درست است بجا می‌آوریم. ^{۱۹} مخصوصاً از شما تقاضا می‌نمائیم که دعا کنید تا خدا مرا هرچه زودتر نزد شما برگرداند.

دعا

^{۲۰} خدا که سرچشمه سلامتی است، خداوند ما عیسی مسیح را که چوپان بزرگ گوسفندان است، پس از مرگ زنده کرد و خون او پیمان و عهد ابدی را تأیید کرد. ^{۲۱} همان خدا شما را در همه کارهای نیک کاملاً آماده گرداند تا اراده او را به عمل آورید و آنچه که او را خشنود می‌سازد به وسیله عیسی مسیح در ما به انجام برساند. شکوه و جلال تا به ابد از مسیح است. آمین.

^{۲۲} ای برادران، تقاضا می‌کنم به این پیام دلگرم‌کننده با صبر و حوصله گوش دهید، زیرا این را به طور مختصر برای شما نوشته‌ام. ^{۲۳} می‌خواهم بدانید که برادر ما تیموتاوس از زندان آزاد شده است. اگر به زودی به اینجا بیاید، ما با هم به دیدن شما خواهیم آمد.

^{۲۴} سلام ما را به تمام رهبران و به تمام مقدسین برسانید. ایمانداران از ایتالیا به شما سلام می‌فرستند. ^{۲۵} فیض خدا با همه شما باشد.